



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Diversion in Petty Crimes in Jurisprudence and Criminal Law in the Light of Human Rights Standards

Bahram Ahmadmanesh¹, Karam Janipour^{*2}, Ali Janipour³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 469-479

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0003-5340-6936

TELL: +989173412061

Email: k.janipour.1439@gmail.com

Article history:

Received: 24 Jul 2022

Revised: 04 Oct 2022

Accepted: 09 Nov 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Petty Crimes, Diversion, Human Rights, Mediation, Arbitration.

ABSTRACT

Petty crimes are important issues of criminal law that have not been studied much. Due to the high volume of these crimes, they have a negative impact on the standards of human rights of citizens. Dealing with petty crimes and reducing its human rights effects is one of the important issues that needs to be discussed. The purpose of this article is to examine diversion of minor crimes in jurisprudence and criminal law and its impact on human rights standards. The present article is descriptive and analytical, and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that, basically, in Iran, the legislator has not provided a definition of petty crimes, while the tendency to divide crimes into petty and severe crimes is not visible in Iran's legislative developments. Based on this, the legislator has not taken a special approach in this respect. Abolition of justice is paid attention in jurisprudence and arbitration, negotiation, peace and compromise, covering up mistakes and ignoring are the most important methods of abolition. In Iran's criminal law, mediation is one of the most important means of diversion. Reducing the delay of the proceedings and increasing the speed of the proceedings, recognizing the position of the victim in the criminal justice system, making the criminal proceedings more humane and reducing the consequences of the abuse of the judicial courts and reducing the criminal intervention are among the most important effects of diversion, which play an important role in respecting the standards of rights.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Ahmadmanesh, B; Janipour, K & Janipour, A (2023). "Diversion in Petty Crimes in Jurisprudence and Criminal Law in the Light of Human Rights Standards". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 469-479.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

جایگاه قضازدایی در جرائم خرد در فقه و حقوق کیفری در پرتو موازین حقوق بشری

بهرام احمدمنش^۱، کرم جانی‌پور^{۲*}، علی جانی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

جرائم خرد از موضوعات مهم حقوق کیفری است که چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. این جرایم به دلیل حجم بالا تأثیر منفی زیادی بر موازین حقوق بشری شهروندان دارد. بحث مقابله با جرایم خرد و کاهش آثار حقوق بشری آن از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. هدف مقاله حاضر بررسی قضازدایی در جرائم خرد در فقه و حقوق کیفری و تأثیر آن بر موازین حقوق بشری است. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بیانگر این امر است که اساساً در ایران، قانون‌گذار تعریفی از جرائم خرد ارائه نکرده است ضمن اینکه گرایش به تقسیم جرائم به خرد و کلان در تحولات تقنینی ایران به چشم نمی‌خورد. بر همین اساس، قانون‌گذار رویکرد خاص و ویژه‌ای در مواجهه با جرائمی تحت این عنوان در پیش نگرفته است. قضازدایی در فقه مورد توجه قرار گرفته و حکمیت، مذاکره، صلح و سازش، خطاپوشی و چشم‌پوشی از مهم‌ترین روش‌های قضازدایی است. در حقوق کیفری ایران نیز میانجیگری از مهم‌ترین ابزارهای قضازدایی است. کاهش اطلاع دادرسی و افزایش سرعت در رسیدگی، به رسمیت شناختن جایگاه بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری، انسانی‌تر کردن دادرسی کیفری و کاستن از تبعات سوء محاکم قضایی و کاهش مداخله کیفری از مهم‌ترین آثار قضازدایی است که نقش مهمی در رعایت موازین حقوق بشری دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۶۹-۴۷۹

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۶۹۳۶-۵۳۴۰-۰۰۰۳-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۹۱۷۳۴۱۲۰۶۱+

ایمیل: k.janipour.1439@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

جرائم خرد، قضازدایی، حقوق بشر، میانجیگری، حکمیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تعداد کمی از جرائم برای اکثر افراد جامعه شناخته شده هستند درحالی که تعداد زیادی از اعمال وجود دارد که قوانین کیفری برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته و آن‌ها را جرم شناخته است ولی عامه مردم با آن آشنایی ندارند یا آن‌ها را چندان مهم نمی‌دانند. درواقع بخش زیادی از حجم قوانین کیفری و رفتارهای منع شده توسط قانون‌گذار از این دسته هستند؛ این رفتارها را نمی‌توان «جرائم کم‌اهمیت» نامید؛ چه ارتکاب این اعمال و نقض قوانین کیفری با توجه به تعداد زیاد این جرائم و آثار آن‌ها عواقب مهمی در نظم عمومی اجتماع در پی دارد؛ این گروه از جرائم «جرائم خرد» نامیده شده‌اند. شیوع جرائم خرد از منظر جرم‌شناختی در یک جامعه از نشانه‌های انحطاط اخلاقی و ریختن قبح ارتکاب جرم به شمار می‌رود. از سوی دیگر رشد فزاینده جرائم خرد نگرانی را به دنبال دارد. تنشی که این گروه از جرائم در جامعه ایجاد می‌کند، شدید نیست و قبح انجام این اعمال نزد شهروندان در مقایسه با جرائم مهم نظیر سرقت، قتل و کلاهبرداری زیاد نیست و مرتکبین این قبیل جرائم نیز به‌اندازه مجرمین جرائم مهم مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند. اما حجم بالای این جرائم موجب می‌گردد که نظم عمومی جامعه به‌طور جدی خدشه‌دار شده و امنیت اجتماعی شهروندان را مخدوش کند که این خود مقدمه بروز تنش‌های اجتماعی و جرائم مهم‌تر خواهد بود (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۷۸-۲۵۷). در عین حال جرایم خرد سبب نادیده گرفتن موازین حقوق بشری شهروندان در مراجع قضایی از طریق ایجاد مشکلاتی چون اطاله دادرسی می‌گردد. همین امر بررسی جایگاه قضازدایی در جرائم خرد در فقه و حقوق کیفری و تأثیر آن بر موازین حقوق بشری را به یک ضرورت مبدل ساخته است.

در خصوص جرائم خرد، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: جلال شیرزاد و وحید نجفی امامی، در مقاله‌ای رابطه اعتیاد به مواد مخدر با وقوع جرائم خرد را مورد بررسی قرار داده‌اند (شیرزاد و نجفی امامی، ۱۳۹۳). محمد صالح اسفندیاری و محسن نورپور نیز در مقاله‌ای، پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرائم خرد را بررسی کرده‌اند (اسفندیاری و نورپور، ۱۳۹۶). هم‌چنین غلامرضا زمان‌پور، در

مقاله‌ای، به بررسی ارتشا و جرائم خرد کارکنان دولت بر اساس نظریه آنومی دورکیم پرداخته است (زمان‌پور، ۱۴۰۲). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی این سؤال مهم پرداخته شود که قضازدایی در جرائم خرد در فقه و حقوق کیفری چه جایگاهی داشته و چه تأثیری بر موازین حقوق بشری دارد؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، مفهوم جرائم خرد و قضازدایی بررسی شده، سپس سازوکارهای قضازدایی در فقه و حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت آثار قضازدایی بر تحقق موازین حقوق بشری بررسی شده است.

۱- جرم خرد

قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، جرائم خرد را تعریف نکرده است و اصلاً چنین عنوانی در قوانین دیده نمی‌شود. در ایران، عنصر قانونی جرائم خرد را باید در ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴ جستجو کرد. به‌موجب این ماده: «نسبت به کلیه امور خلافی از قبیل عدم رعایت نظامات راجعه به بلدیة و نظمیه و صحیه، هم‌چنین عدم رعایت نظامات راجعه به درشکه‌چی‌ها و شوفاها و حفظ حیوانات و هم‌چنین راجع به ولگردی و گدایی و فحاشی و استعمال الفاظ رکیک در معابر عمومی و امثال آن‌ها وزارت داخله نظامنامه لازم تهیه نموده و مقررات آن پس از تصویب وزارت عدلیه به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولی درهرحال مجازاتی که به‌موجب نظامنامه مزبور مقرر می‌شود نباید از یک روز حبس و سه قران غرامت کمتر و از یک هفته حبس و پنج تومان غرامت بیشتر باشد». هیچ تعریفی از این جرائم در قوانین فعلی، دایره المعارف‌ها و کتاب‌های لغت و یا لغتنامه‌های حقوقی به چشم نمی‌خورد.

۲- قضازدایی

قضازدایی ترکیبی اضافی و متشکل از دو واژه قضا و زدایی است. قضا در لغت در معانی فراوانی به کار رفته است که فرمان، حکم، رأی‌دادن و به حاجت رسیدن از جمله این معانی است (دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۳۶). در اصطلاح نیز قضا به معنی دادرسی و صدور رأی در امور جزئی است، خواه برای فصل خصومت باشد یا در مصالح عامه باشد مانند امور حسبی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۲/۲۹۲۷). زدودن نیز مصدر است و

۳-۱- حکمیت

قضا‌دایی سیاستی است که تلاش می‌کند اصحاب دعوا را تا جایی که امکان دارد از قیدوبندهای دستگاه قضایی برهاند. یکی از ابزارهای قضا‌دایی، قضاوت خصوصی می‌باشد که طرفین دعوا می‌توانند خارج از نظام قضایی متمرکز، فرد واجد شرایطی را برگزیده و حل‌وفصل خصومت را از این طریق پیگیری کنند. از طرف دیگر در حقوق اسلامی، نهاد مشابهی تحت عنوان نهاد تحکیم قرن‌هاست مورد توجه فقهای عظام بوده است (ایزدی فر و همکاران، ۱۳۸۸). «در فقه اسلامی از میانجی‌گری به قاضی تحکیم تعبیر شده است. وقتی دو یا چند نفر در امر مالی یا غیرمالی اختلاف پیدا کنند و با هم توافق کنند که برای رفع تنازع، شخص را به‌عنوان حاکم انتخاب نمایند و رفع اختلاف را از وی بخواهند تصمیم اتخاذشده از جانب وی را بپذیرند و شخص منتخب نیز غیر از قاضی منصوب از ناحیه امام باشد، این فعل یعنی حکم گردانیدن طرفین شخص ثالث را تحکیم و آن شخص ثالث را قاضی تحکیم می‌نامند. یعنی قاضی که با تحکیم و انتخاب دو نفر متخاصم برگزیده‌شده است» (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۶۲).

«حکمیت قضاوتی است غیررسمی که به‌وسیله محکمه و باهدف قطع و فصل تخاصم، انجام می‌شود. قاضی تحکیم، کسی است که رضایت‌داده به‌وسیله طرفین منازعه به‌منظور داوری در دعوی یا دعوی معینی انتخاب شود تا متداعیین، رأی و نظر او را در موضوع مورد اختلاف پذیرا شده و خود را ملزم به اجرای حکم داور نمایند. جواز انتخاب قاضی تحکیم و نفوذ حکم وی، به‌رغم حضور قضاوت رسمی در تألیفات حقوقدانان اسلامی تصریح شده است» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۱۶۵).

«در قرآن کریم هرکجا سخن از دادرسی به میان آمده، واژه یا واژگان حکم، تحکیم و حکم به کار رفته است و کمتر جایی از واژه قضا استفاده شده است. در قرآن کریم آیات بسیاری دلالت بر جواز تمسک به داوری در حل و رفع تنازع دارد. حکمیت اجباری، طبق آیه ۳۵ سوره نساء، برای مورد طلاق، جهت ایجاد سازش بین زوجین و حل‌وفصل

به معنی زاییدن، پاک کردن و دفع کردن است (دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۰۴).

به لحاظ اصطلاحی قضا‌دایی عبارت است از سازوکاری که در جهت محدود نمودن صلاحیت دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰). «پیش‌بینی سیاست قضا‌دایی و ترغیب در تمسک به سازوکارهای متنوع دیگری تأکید بر دخالت سازمان‌های رسمی و دستگاه قضایی را در روند رسیدگی به جرم منتفی می‌سازد و یا موقعیت آن را به‌صورت مداخله‌ای در حاشیه و نقش فرعی و ثانوی قرار می‌دهد. ازجمله ویژگی‌های نظام کیفری اسلام تمایل به - کاهش نقش قاضی حرفه‌ای در رفع موقعیت‌های تعارضی و تلاش در جهت دستیابی به راه‌حل‌های غیررسمی است. این امر زمینه‌های مناسب را ایجاد می‌کند تا به اتخاذ اقدامات داوطلبانه‌ای که خارج از فرایند رسیدگی‌های رسمی است، اقدام نمایند. پذیرش عدم انحصار شایستگی مراجع رسمی در قطع و فصل دعوی، پیش‌بینی تدابیری را ممکن می‌سازد که علاوه بر تحمل رنج و تبعات نامطلوب حاصل از ورود به جریان رسیدگی‌های خشن، از برچسب‌زنی نیز جلوگیری می‌نماید» (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در کل مفهوم قضا‌دایی به جلوگیری یا عدم ادامه رسیدگی از طریق مراجع رسمی دادگستری می‌پردازد و عبارت است از خارج کردن رسیدگی در بسیاری از اموری که دارای پیچیدگی‌های خاص رسیدگی قضایی نمی‌باشند و سازوکارهای غیر قضایی برای رسیدگی به آن‌ها مقرون به‌صرفه‌تر می‌باشند.

۳- جایگاه قضا‌دایی در جرائم خرد در فقه

قضا‌دایی از جرایم خرد از طریق شیوه‌های جایگزین حل‌وفصل اختلافات (ADR) فرآیندهایی هستند که طرفین می‌توانند با استفاده از آن‌ها اختلافاتشان را بدون نیاز به مراجعه به دادگستری و به‌صورت دوستانه حل‌وفصل کنند. به این شیوه‌ها راهکارهای حل‌وفصل خصوصی اختلافات از سوی افراد نیز گفته می‌شود. این روش‌ها عبارت‌اند از مذاکره مستقیم، سازش بین طرفین، میانجی‌گری و داوری. مهم‌ترین ویژگی این راهکارها، ماهیت غیرقضایی آن‌ها است.

رسیدگی‌های قضایی به یک مسیر غیر قضایی است. به‌نحوی که معمولاً طرفین با تسویه کامل تعارض خود با یک توافق و سازش، هر یک به‌گونه‌ای سود می‌جویند. خروج از دایره رسیدگی‌های پیچیده رسمی در مهیا ساختن مجنی‌علیه برای پذیرش جبران غیررسمی تمام یا بخشی از خسارات وارده از سوی مجرم از یک طرف و رها شدن مجرم از لکه ننگ محکومیت در دادگاه کیفری از طرف دیگر و نیز ظهور زمینه‌های مناسب در اصلاح و بازپروری وی با احیای احساس تشخیص حاصل از اعتماد و صمیمیت موجود در فضای سازش و آشتی، ممکن است از بهره‌های ناشی از مصالحه تلقی شود» (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

«طبق دستور الهی هرگاه بین دو یا چند نفر مسلمان اختلاف، نزاع، مشاجره و خصومت پیش آید، اولاً باید تقوا پیش گیرند که در این حالت تقوا به دوری از نزاع و خصومت و تفرقه است، ثانیاً دیگر مسلمانان باید در رفع اختلاف آنان کوشش کرده و بین آن‌ها را اصلاح کنند. در جای دیگر خداوند تعالی در صورتی که کار دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ کشیده شود، فرمان و دستور به آشتی دادن آن دو گروه می‌دهد» (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۶۲). در آیه ۹ سوره حجرات آمده است: «هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ بپردازند آن دو را باهم آشتی دهید و بین آن دو صلح برقرار نمایید اگر یکی از آن دو گروه به گروه دیگر تجاوز نمود با گروه متجاوز نبرد نمایید تا به فرمان الهی بازگردد». «در این صورت اگر گروه متجاوز به فرمان الهی بازگشت و تسلیم حکم خدا شد و زمینه صلح و آشتی ایجاد شد، باز باید بین این دو صلح و آشتی برقرار کرد. این اصلاح و برقراری صلح و آشتی باید روی موازین عدل و عدالت باشد، یعنی اگر در این نزاع و درگیری هرگونه حقی از دو گروه پایمال و یا خونی ریخته شد که منشأ درگیری و نزاع شده باشد باید جبران و اصلاح شود تا اصلاح عادلانه و از روی عدالت باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۵/۱۸). قرآن کریم در ادامه می‌فرماید: «مؤمنان برادر یکدیگرند پس بین برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید» (حجرات/۱۰).

مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه تعارض آن‌ها، پیش‌بینی گردیده است» (فیض و مذهب، ۱۳۶۰: ۶۲/۳). «قضا پرسیدن خاص است و آن در صورتی است که مدعی‌علیه و مدعی‌له به شخصی ثالث رجوع کند و راضی شوند که میان ایشان حکم کند و حکم این شخص بر ایشان جاری است، اگرچه امام یا کسی از جانب او جهت قضا و پرسیدن عام موجود باشد» (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۴۲/۸).

«ازجمله ویژگی‌های عمیق و قابل‌تحسین و ارزشمند نظام حقوقی اسلام، تمایل به کاهش نقش قاضی حرفه‌ای در رفع موقعیت‌های تعارضی و تلاش در جهت دستیابی به راه‌حل‌های غیررسمی است. این امر که زمینه‌های مناسب مردمی کردن هنر حل اختلاف را ایجاد می‌کند، از طریق ترغیب متداعیین به اتخاذ اقدامات داوطلبانه‌ای خارج از فرآیند رسیدگی‌های رسمی، به حل‌وفصل دعاوی می‌پردازد» (ایزدی‌فر و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳).

۳-۲- مذاکره، صلح و سازش

«مذاکره در لغت به معنی گفتگو کردن درباره کاری یا امری است. در تعریف مذاکره به‌عنوان روش حل اختلاف می‌توان گفت مذاکره روشی است که از طریق آن طرفین اختلاف درصدد حل اختلاف خود بدون مداخله شخص ثالث به‌عنوان تسهیل‌کننده حل اختلاف هستند و این فرایند از طریق گفتگو و تماس‌های مستقیم صورت می‌گیرد. سازش در لغت به معنی توافق، سازگاری، صلح و خوش‌رفتاری است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۲۸۴). «در همین حال مصالحه، رفع تخاصم و از در آشتی و سلم درآمدن است» (ابن منظور، ۱۹۷۰: ۵۱۶/۲). از طرفی «به معنای خلاف فساد و خیر و صواب آمدن نیز اشاره شده است» (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۴۵/۱). «صلح در اصطلاح، توافقی است که رفع موقعیت‌های تعارض‌آمیز و قطع نزاع و مشاجره را در پی دارد» (موصلی، ۱۴۱۰: ۵/۳). «بنابراین مراد از صلح و سازش در اینجا ترک تعقیبی است که بر تراضی و اراده طرفین مبتنی می‌باشد و با این (تراضی) به‌وضوح از عفو متمایز می‌گردد؛ اگرچه برخی مفهوم صلح و مصادیق آن را مشمول عنوان عفو دانسته‌اند» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۱/۳). «مصالحه، اقدامی طرفینی در انحراف جریان رسمی

۳-۳- چشم‌پوشی/عفو

«قانون‌گذار اسلامی به‌رغم توجه جدی به لزوم ترمیم خسارات مادی و معنوی بزه‌دیده و ضرورت آرامش روانی وی پس از وقوع جرم با دخالت دادن مجنی‌علیه در جریان رسیدگی، وی را به عفو، گذشت، چشم‌پوشی و هم‌چنین توسل به ابزارهای غیرکیفری ترغیب می‌کند» (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در حقوق جزای اسلامی تعقیب بسیاری از جرائم به درخواست و شکایت بزه‌دیده موکول گردیده است و در صورت عفو و گذشت وی تعقیب متوقف گردیده و بزه‌کار از تحمل مجازات معاف خواهد شد. «به‌عنوان مثال در جرایمی مانند قتل، افترا و قذف اجرای کیفر منوط به مطالبه بزه‌دیده می‌باشد، هرچند مجرم، داوطلبانه اعتراف کرده باشد. بنابراین شرکت فعال بزه‌دیده در تعقیب بزه‌کار و مقابله با بزه‌کاری در کلیه مراحل دادرسی در نظام کیفری اسلام پیش‌بینی گردیده است. بزه‌دیده هم‌چنان که حق دارد مجازات بزه‌کار را خواستار گردد، حق دارد با او از در سازش و آشتی درآید و با این اقدام جریان رسیدگی به جرم را از گردونه عمل مراجع رسمی خارج سازد» (امینی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). در حقوق جزای اسلامی بزه‌دیدگان به عفو و گذشت ترغیب شده‌اند و این اقدام را احسان تلقی می‌کنند. به عنوان مثال در قرآن کریم خداوند متعال فرموده است: «آنهایی که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود فرونشانند و از (بدی) مردم درگذرند، و خدا دوستدار نکوکاران است» (آل عمران/۱۳۴). «در روایات نیز اغماض از خطا و چشم‌پوشی از کیفر در زمره خصلت‌های نیک انسان و بیانگر شخصیت رشد یافته او است. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «گذشت پیشه کنید؛ زیرا عفو و گذشت جز عزت بر بنده نمی‌افزاید. پس یکدیگر را عفو کنید تا خداوند شما را سرافراز کند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۰۸/۲).

گرفتن آن کاری است نیکو.....» (بقره/۱۷۸). پس «در نظام کیفری اسلام حتی در جرائم سنگینی مانند قتل نیز امکان عفو از ناحیه اولیاء دم مقتول پیش‌بینی شده است. امکان سقوط کیفر مبتنی بر عفو و گذشت بزه‌دیده، به جرائم حق الناسی منحصر است. در این موارد، در تأثیر اراده مجنی‌علیه در رسیدگی تردیدی نیست. برخی قذف را در حدود، از جمله حقوق الناس شمرده‌اند؛ گرچه برخی دیگر آن را حق الله دانسته و معتقدند عفو مقذوف در هیچ شرایطی مسقط حد نخواهد بود» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۹/۵). مشهور فقهای امامیه معتقدند که «در هر مرحله‌ای، ممکن است حد قذف با گذشت و چشم‌پوشی بزه‌دیده ساقط گردد، اما نقش بزه‌دیده در سرقت، صرفاً به مراحل مقدماتی رسیدگی محدود است و پس از طرح دعوا در محکمه، قاضی جز ادامه تعقیب چاره‌ای ندارد، زیرا کیفر از حقوق الله تلقی شده است» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶۰/۴۰).

۳-۴- خطاپوشی

«نهان‌سازی جرم و جلوگیری از افشاء زشتی‌ها متأثر از نگرش خاصی است که نسبت به مفاهیم، تأسیسات و نهادهای حقوق جزا وجود داشته است و خطوط برجسته سیاست جنایی اسلام را شکل می‌دهد. از آن جمله سیاست قضادایی است که مبتنی بر عدم ورود افراد در فرایند رسمی کیفری است. لذا در نظام کیفری اسلامی بحث ترجیح پیش می‌آید که قاضی با بحث و بررسی‌های مختلف ترجیح بدهد که بزه‌پوشی نماید تا اینکه مرتکب را وارد فرایند کیفری نموده و مجازات نماید» (امینی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در روایات بسیاری توصیه نموده‌اند بر پوشاندن خطاهای افراد تا اینکه به‌دنبال کشف و پیگیری آن باشند. پیامبر اکرم فرمودند: «تا آن‌جا که می‌توانید حدود را بر مسلمانان اجرا نکنید و اگر محملی برای رهایی آنان یافتید ایشان را رها کنید زیرا اگر امام در عفو خطا کند بسیار بهتر از آن است که در مجازات اشتباه کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۱۸). در واقع، سیاست جنایی اسلام که پایه و اساس سیاست جنایی و نظام کیفری جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، قضادایی را مدنظر داشته و سازوکارهای مختلفی را که در این بخش ملاحظه نمودیم جهت تحقق این امر پیش‌بینی نموده که می‌توان آن‌ها را به نوعی

قانون‌گذار اسلامی حتی قاتل را به‌مجرد ارتکاب قتل، مطرود و منزوی نساخته و هم‌چنان رابطه عاطفی برادری و اخوت ایمانی را به‌رغم رفتار مجرمانه‌اش پایدار و غیر منقطع دانسته است و از همین رابطه عاطفی در ترغیب به عفو و اغماض از سوی اولیاء دم کمک گرفته است: «و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی او است بخواهد در گذرد، بدون دیه یا با

«میانجیگری روشی است که در آن، شخص ثالث در مقام وساطت و شفاعت و به‌عنوان میانجی به طرفین اختلاف در جهت رسیدن به صلح و سازش کمک می‌کند. طبق این تعریف میانجیگری یک فرآیند سه‌جانبه می‌باشد که فارق از تشریفات معمول در فرآیند کیفری براساس تراضی قبلی شاکی و متهم با حضور شخص ثالث به نام میانجی‌گر یا میانجی به‌منظور حل‌وفصل اختلافات و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می‌گردد» (سماواتی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

«میانجی‌گری امروزه به‌عنوان یکی از مقوله‌های حقوق کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد. میانجی هیچ‌گونه تصمیمی را به طرفین تحمیل نمی‌کند بلکه حصول یک راهکار و راه‌حل مرضی‌الطرفین را تسهیل می‌کند و طبیعتاً آن‌چه هدف میانجی است این است که مسائل حل‌وفصل بشود. میانجی می‌تواند شخص حقیقی باشد یا حقوقی. میانجی‌گری هم به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- میانجی‌گری جامعه‌ی (غیررسمی)؛ ۲- میانجی‌گری دولتی؛ و ۳- میانجی‌گری جامعه‌ی همراه با نظارت دولت» (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۸۳: ۴۲).

در حقوق ایران قانون‌گذار بر میانجیگری در صرفاً دعوی خانوادگی تأکید کرده است و سعی بر این دارد که اختلافات خانوادگی در این قلمرو به صلح و سازش ختم گردد. در موارد مختلف قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بر اهمیت نقش میانجی در کاهش و حل اختلافات اشاره شده است. در ماده ۳۴ این قانون مهلت سه ماه برای گواهی عدم امکان سازش فراهم شده است و در این راستا نیز اشاره شده است که دادگاه اختیار دارد برای رسیدن به صلح و سازش به درخواست زوجین یا یکی از هر دو جلسه دادرسی را حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد (ماده ۱۰). این حق به تأخیر انداختن به لحاظ ماهیت خاص دعوی خانوادگی است که قانون‌گذار تلاش بر آن دارد که ماهیت این دعوی را غیر قضائی بداند.

۴-۲- نشست گروهی/کنفرانس

در این شیوه تعداد شرکت‌کنندگان در جلسه نسبت به میانجی‌گری کیفری بیشتر است و علاوه بر بزه‌کار و بزه‌دیده، اعضای خانواده آن‌ها و احتمالاً نمایندگان جامعه محلی،

قضازدایی قلمداد نمود هرچند شاید منظور حقوقدانان اسلامی از مطرح نمودن این مباحث قضازدایی به‌گونه‌ای که مدنظر ما است نباشد اما می‌توان آن‌ها را به‌عنوان سازوکارهایی که به قضازدایی منتهی می‌شود منظور نمود. همان‌گونه که بیان شد، چون می‌بایست قوانین و مقررات موضوعه با اصول اسلامی منطبق باشد و اسلام پایه و اساس نظام کیفری ما است.

۴- جایگاه قضازدایی در جرائم خرد در حقوق کیفری

در این قسمت به بررسی جایگاه قضازدایی در جرائم خرد در حقوق کیفری پرداخته می‌شود.

۴-۱- میانجیگری

میانجیگری به معنی وساطت و پادرمیانی کردن است. «این تأسیس همان داوری است با این تفاوت که داوری در امور مدنی مطرح می‌باشد و داور نظر خود را به طرفین داوری تحمیل می‌نماید ولی در میانجی‌گری کیفری میانجی‌گر نمی‌تواند نظر خود را به طرفین تحمیل نماید و این امر کاملاً اختیاری است. نهاد میانجی‌گری منجر به ملاقات شدن بزه‌کار و جمع شدن بزه‌کار و بزه‌دیده می‌شود که به کمک یک میانجی یا پیش‌برنده در مقام حل‌وفصل اختلافاتشان برمی‌آیند» (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). میانجی‌گری از آن‌جا که یک فرآیند سه‌جانبه است و معمولاً شاکی، متهم و میانجی‌گر در آن شرکت می‌کنند، به طرفین اجازه می‌دهد تا احساسات و استنباطشان را از جرم بیان بکنند و ضمناً از بیان مطالبشان بیم نداشته باشند. لذا شرکت در میانجی‌گری نیاز به رضایت قلبی دارد و باید به‌صورت داوطلبانه و آزاد انجام شود و ضمناً شرکت‌کنندگان در میانجی‌گری به‌عنوان شاکی و متهم هر لحظه بتوانند از میانجی‌گری عدول کرده و به‌نظام کیفری برگردند. «میانجی‌گری یکی از روش‌های غیرالزام‌آور حل‌وفصل اختلافات است که طی آن شخص ثالث بی‌طرف به طرفین دعوا کمک می‌کند تا به یک‌راه حل توافق شده و دوجانبه دست یابند. باید توجه داشت که صرفاً مذاکره میان طرفین را تسهیل می‌کند تا در خصوص یک‌راه حل قابل‌پذیرش به تفاهم برسند؛ مع‌الوصف این آیین برای طرفین الزام‌آور نخواهد بود» (عباسی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

این جرم به وجود آمد. بنابراین در پنل‌ها، بزه‌دیدگان و خانواده‌هایشان این فرصت را دارند که مراتب درد و رنج خود را بیان کنند. این هیأت‌ها ابتدا توسط مادران داغدار تشکیل گردید. هدف این بود که بزهکاران در برابر بزه‌دیدگان ناشناس قرار بگیرند و به صحبت‌های آن‌ها گوش بدهند. در این جلسات بزه‌دیدگان گلایه‌های خود را مطرح می‌کنند. این بیان اعتراضات در واقع به یک فرایند درمان تبدیل می‌شود. این هیأت‌ها مرکب از سه یا چهار بزهکار و بزه‌دیده است و یک ناظر هم برای کنترل وجود دارد. این شخص ناظر خطوط راهنما را قبل از شرکت در جلسات برای طرفین می‌گوید» (امینی، ۱۳۹۷: ۹۶).

۵- روش‌های تأثیر قضازدایی در جرائم خرد در تحقق موازین حقوق بشری

در این قسمت، روش‌های تأثیر قضازدایی در جرائم خرد در تحقق موازین حقوق بشری بررسی می‌شود.

۵-۱- کاهش اطلاع دادرسی و افزایش سرعت در رسیدگی در جوامع کنونی، تورم پرونده‌های کیفری از مشکلات مهم و دست‌وپاگیر نظام‌های عدالت کیفری می‌باشد. در جوامع کنونی به دلیل وجود موقعیت‌ها و امکانات جدید مجرمانه و افزایش آن و گسترش سیاهه جرائم در قوانین جزایی روند افزایش پرونده‌های کیفری و مراجعه‌کنندگان به دستگاه عدالت کیفری روندی تصاعدی داشته است. برنامه‌های قضازدایی با توجه به اینکه می‌توانند یا از همان ابتدا از ورود پرونده‌ها به دستگاه عدالت کیفری جلوگیری و یا پرونده در مرحله تعقیب و دادرسی از محدوده نظام کیفری خارج شود؛ بنابراین از آمار پرونده‌های موجود کاسته شده و بدین ترتیب دستگاه عدالت کیفری به موارد و جرائم بسیار مهم‌تر و بااهمیت‌تر رسیدگی خواهد نمود.

۵-۲- به رسمیت شناختن جایگاه بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری

«تأکید بر نقش بزه‌دیده و توجه به خواسته‌ها و دل‌مشغولی‌های بزه‌دیده، از محوری‌ترین اهداف برنامه‌های قضازدایی می‌باشد. در فرایند کیفری مرسوم در دستگاه قضایی بزه‌دیده منفعل بوده و در حاشیه توجهات نظام عدالت

همسایه‌ها و افرادی که به‌نوعی در ارتباط با جرم سهمی دارند هم شرکت می‌کنند. پس کنفرانس یا هم‌اندیشی به‌اصطلاح فراتر از بزه‌دیده و بزهکار تشکیل می‌شود و در نهایت هدفش با میانجی‌گری مشترک است و آن پیدا کردن یک راه‌حل مرضی‌الطرفین است. «در اندیشه یا رویکرد ناب خواهان، روش‌های ترمیمی موضوعیت دارد، بنابراین روش مطلوب ناب خواهان با رویکرد حداکثری همین روش کنفرانسینگ است. چون به بیشترین تعداد افراد یا سهام در جرم، اجازه شرکت در جلسه را می‌دهد. و در بالاترین سطح، ترمیم، جبران و احیای روانی و مادی اتفاق می‌افتد. نهاد کنفرانس را قانون‌گذار زلاندنو از قومی به نام **مائوری الهام** گرفته است. مائوری‌ها به لحاظ روابط قوی و مستحکم و نیز همبستگی‌های خانوادگی در چهارچوب اجلاس‌ها و نشست‌های خانوادگی مشهور به **ونو** سعی در حل‌وفصل مسائل مربوط به نوجوانان داشتند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۳۳). اندیشه کنفرانس به تدریج در سال‌های دهه ۹۰ به انگلستان و استرالیا و آمریکا منتقل شد. شیوه اجرای کنفرانس بدین صورت است که خانواده‌ها، گروه‌های محلی و نیز دادستان و شاکی و متهم جمع شده و سعی در نزدیک کردن دیدگاه طرفین با یکدیگر و حصول یک‌راه حل مرضی‌الطرفین دارند. شیوه کنفرانس یک شیوه فرایند محور است و از این لحاظ مانند ناب خواهان می‌باشند.

۴-۳- هیأت‌های بزه‌دیده- بزهکار

«این روش، هیأتی متشکل از بزه‌دیدگان و بزهکارانی است که هیچ‌گونه ارتباطی باهم ندارند و تنها ارتباط آن‌ها در یک نوع جرم خاصی است که یک‌گروه مرتکب شده‌اند و گروه دیگر قربانی آن جرم شده‌اند؛ تشکلی از بزه‌دیدگان و بزهکارانی که در قالب جرم باهم روبه‌رو نشده‌اند. این پنل‌ها به بزه‌دیدگان که از جرم خاصی متضرر شده‌اند و بزهکارانی که همان جرم خاص را مرتکب شده‌اند اجازه می‌دهد که روبه‌روی هم قرار بگیرند و راجع به آثار آن جرم مذاکره کنند و آثار جرم را در اشخاص دیگر ملاحظه کرده و به ویژگی‌های آن‌ها پی ببرند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۳). «هیأت‌های بزه‌دیده بزهکار ناشی از جنبش بزه‌دیدگان است و ابتدا برای مقابله با رانندگی‌های در حال مستی و پیشگیری از بزه‌دیدگی در قبال

بهتری نیز نشان می‌دهد. یکی از ایراداتی که جرم‌شناسی‌های واکنش‌اجتماعی بر فرایند رسمی کیفری و ورود افراد در فرایند کیفری وارد می‌نمایند، انگ‌زنی و خوردن برچسب مجرمانه بر متهمین است لذا فرد نیز رفتار خود را با یک فرد مجرم منطبق می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۳۹). همچنین ورود افراد در فرایند عدالت کیفری تبعات سوء بسیاری دارد و باعث سرخوردگی افراد و آسیب‌های روحی روانی زیادی در افراد خواهد شد و برخوردهای نامناسب پلیسی و قضایی نیز بر تبعات سوء آن خواهد افزود لذا تدابیر قضازدایی مانع از خوردن برچسب مجرمانه بر افراد خواهد شد و تبعات سوء محاکم قضایی نیز کاسته خواهد شد.

۵-۴- کاهش مداخله کیفری و توجه به حقوق شهروندان

حضور مستمر دولت در امور که موجب افراط در جرم-انگاری‌های جدید و ادغام دو مفهوم جرم و انحراف و عدم رعایت ضوابط، موازین و اصول حاکم بر جرم‌انگاری شده است. در نتیجه عدم پابندی به رژیم قانونی بودن حقوق کیفری و ابهام‌گویی و کلی‌گویی در متون قانونی، اجتماعی از عنوان‌های مجرمانه را پدید می‌آورد که باعث بروز پدیده تورم کیفری و انسداد و وقفه در عملکرد نهادهای درگیر عدالت-کیفری و تجویز جرم‌انگاری‌های حداکثری می‌شود. این مسئله همواره در نزد حقوقدانان مورد تقبیح و مخالفت واقع شده است. تعدد قوانین کیفری موجب ناتوانی شهروندان در شناخت و اجتناب از ارتکاب عنوان‌های مجرمانه خواهد شد. افزون بر آن که تمکین از کلیه قوانین امری دشوار می‌نماید. این در صورتی است که عدم تمکین آنان با ضمانت اجراهای کیفری مواجه می‌شود. نتیجه چنین رویکردی اجتماع توده کثیری از مجرمان می‌باشد. افزایش سرسام‌آور میزان جرائم، وقفه و سکون را در رسیدگی‌های کیفری در پی دارد. این مسأله عامل مهمی در ایجاد اطاله دادرسی محسوب می‌شود و باعث می‌شود در مرحله تعقیب پرونده از طرف پلیس شاهد گزینش پرونده‌ها باشیم.

نتیجه‌گیری

در ادبیات جرم‌شناختی معاصر معمولاً به جرائم دارای حبس قانونی کمتر از یک سال یا جزای نقدی مختصر جرم خرد

کیفری قرار می‌گیرد و نقش چندانی در فرایند کیفری ندارد» (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۹۲-۱۶۱).

«برنامه‌ها و تدابیر قضازدایی به دنبال ترمیم خسارات مادی و معنوی و التیام روحی و روانی بزه‌دیده نیز می‌باشند. در رسیدگی‌های معمول در دستگاه قضایی و فرایند رسمی رسیدگی به بزه، توجه چندانی به التیام روحی و روانی بزه‌دیده نمی‌گردد. هم‌چنین خسارات مادی وی نیز پس از طی نمودن روند طولانی جبران نخواهد شد ولی برنامه‌های قضازدایی به دنبال ترمیم روانی و مادی بزه‌دیده می‌باشد. بزه‌دیده در فرایندهای غیررسمی مانند میانجی‌گری مجالی برای شرح بزه‌دیدگی و شرح آثار و پیامدهای نامطلوب آن بر خود و خانواده‌اش پیدا خواهد نمود و از کارکرد روانی گفتگو و نقل دادستان بزه‌دیدگی منتفع شده و از لحاظ روانی تخلیه می‌شود و صدمات روانی او التیام داده می‌شود» (عباسی، ۱۳۸۲: ۳۱۹). «هم‌چنین به دلیل اینکه در این فرایند طیف گسترده‌ای از خسارات شناسایی و مورد توجه قرار گیرد و از ابزارهای متعددی مانند (اعلام معذرت‌خواهی و پشیمانی و ندامت، برگرداندن و استرداد اموال از دست‌رفته، امکان سرویس‌دهی و انجام کار برای بزه‌دیده و یا اشخاص موردنظر وی و یا جامعه) استفاده می‌گردد، احتمال جبران و ترمیم خسارات بزه‌دیده بیشتر فراهم می‌گردد» (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

۵-۳- انسانی‌تر کردن دادرسی کیفری و کاستن از تبعات سوء محاکم قضایی

دادرسی کیفری رسمی کیفرگرا، به علت برخورد کلیشه‌ای با مراجعین خود، در عملکرد خود هیچ‌گاه دیدگاهی انسان مدارانه را مدنظر قرار نمی‌دهد؛ دستگاه عدالت کیفری به‌عنوان یک دستگاه تولید کیفر و تولید بزه‌کار عمل می‌کند. دستگاه عدالت کیفری رسمی به هر انسانی یا به دیده متهم یا به دیده دلیل اتهام می‌نگرد. و از واقعیت‌ها و قابلیت‌های انسانی اصولاً غافل می‌ماند ولی برنامه‌ها و ابزارهای قضازدایی، دیدگاه‌ها و انگیزه‌های انسانی‌تری را تبلیغ می‌کنند. به متهم به‌عنوان فردی که موجودی دارای کرامت و دارای قابلیت، استعداد، شخصیت و منزلت انسانی می‌نگرند و با وی برخورد انسانی شده و درک انسانی می‌شود لذا نتایج

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمدبن مكرم (۱۹۷۰). *لسان العرب*. جلد دوم، چاپ چهارم، بیروت: دارلسان العرب.

- اسفندیاری، محمد صالح و نورپور، محسن (۱۳۹۳). «پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرائم خرد». *مجله کارآگاه*، ۱۴ (۳۹): ۵۶-۷۶.

- امینی، محمد (۱۳۹۷). *قضازدایی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- یزدی فرد، علی‌اکبر؛ فلاح، اکبر و خزائی پول، صفر (۱۳۸۸). «مشروعیت قضاوت خصوصی براساس نظام تحکیم». *نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۶ (۱۸): ۶۹-۹۶.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). *ترمینولوژی حقوق*. جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴). *لغت‌نامه*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- زمان‌پور، غلامرضا (۱۴۰۲). «ارتشا و جرائم خرد کارکنان دولت بر اساس نظریه آنومی دورکیم». *مجله مطالعات حقوقی*، ۲۵ (۳۴): ۱۲۵-۱۳۱.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد هشتم، چاپ چهارم، تهران: المکتبه المرتضویه.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد سوم، چاپ ششم، قم: دارالکتب العلمیه.

گفته می‌شود. در ایران هیچ ضابطه قانونی برای تشخیص - جرائم خرد ارائه نشده است. به نظر می‌رسد بتوان جرایمی که مجازات‌هایی نقدی پایین داشته باشند در حقوق کیفری ایران به‌عنوان جرائم خرد قلمداد کرد. میانجی‌گری کیفری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها و سازوکارهای قضازدایی مطرح می‌باشد در خصوص حق مسلم شهروندی نسبت به اعمال رسیدگی‌های قضایی و تکلیفی که بدین منظور در قانون اساسی بر دستگاه‌های قضایی لحاظ گردیده، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که نمی‌توان اعمال روش‌های قضازدایی را موجب سلب حقوق شهروندان در این راستا دانست زیرا نظر به تراکم‌زدایی حاصله از قضازدایی در دعاوی حقوقی و عدم امکان کاستن از عنوان تخلف، حقی از شهروندان ضایع نگشته بلکه تسریع در احقاق حق نیز به عمل خواهد آمد. قضازدایی می‌بایست در مرحله پلیسی مورد توجه قرار گیرد و از طریق تربیت پلیس متخصص در زمینه برقراری صلح و سازش و ایجاد مراکز قوی جهت تحقق این امر در پایگاه‌های پلیس اقدام گردد. کاستن از تراکم کار دستگاه قضایی، قابلیت دسترسی آسان و سریع به مراجع حل اختلاف، رعایت حداقل تشریفات و در نتیجه رهایی بزه‌دیدگان از سرگردانی ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی، عدم پرداخت هزینه دادرسی، مقابله با برجسب‌زنی از طریق خروج متهم از محاکمه دستگاه قضایی، مشارکت فعال جامعه مدنی در فرآیند کیفری، کاهش اطلاع دادرسی، پررنگ کردن نقش بزه‌دیده در فرآیند کیفری و ترمیم خسارات او از فواید و آثار قضازدایی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

- شیرزاد، جلال و نجفی امامی، وحید (۱۳۹۳). «رابطه اعتیاد به مواد مخدر با وقوع جرائم خرد». *مجله پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۹(۳): ۱۲۱-۱۴۳.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۸). «بزه پوشی». *مجله حقوق و قضایی دادگستری*، ۶۳(۲۹): ۱۶۱-۱۹۲.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۴). «قضازدایی در حقوق جزای اسلامی». *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ۵(۶): ۱۴۷-۱۶۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد هجدهم، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد پنجم، چاپ دهم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). *افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشور.
- فیض، علیرضا و مهذب، علی (۱۳۶۰). *اللمعه الدمشقیه*. جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. جلد اول، چاپ سوم، قم: منشورات دارالرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *اصول کافی*. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۲). *قضا و قضاوت در اسلام*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات المهدی.
- محمودی، جواد (۱۳۸۵). «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری». *مجله الهیات و حقوق (آموزه‌های حقوقی)*، ۶(۱۹): ۱۰۵-۱۲۲.
- الموصلی، عبدالله بن محمود بن مودود الحنفی (۱۴۱۰). *الاختیار لتعلیل المتخار. جلد سوم، چاپ اول، قاهره: انتشارات الحلبي*.
- نجفی ابرندآبادی علی، حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، ۳(۹): ۳-۳۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی*. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم‌شناسی*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهارم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوروزی، نادر (۱۳۸۴). «جرائم خرد علیه نظم عمومی راهبردها و راهکارها». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۵(۶۸): ۲۵۷-۲۷۸.